



# درس‌های مزاری برای امروز و فردای افغانستان



عبدالمجید مجیدی

اندیشه‌های شهید مزاری، به نوعی چاره‌جویی و چاره‌اندیشی برای معضلات و مسائل امروز افغانستان نیز هست. بنابراین، راجع به شهید مزاری هرچه نوشته شود و هرچه گفته شود باز حرف‌های تازه و شنیدنی وجود خواهد داشت؛ زیرا صدای وجدان بیدار و برخاسته از روح جمعی جامعه است. سؤال این است که درس‌های مزاری برای امروز و فردای جامعه ما چیست؟ کدامین مفکوره‌های مزاری می‌تواند راهگشای امروز و فردای ما باشد؟

هرچند اندیشه‌ها و مفکوره‌های رهبر شهید، هرکدام زیبا، غرور آفرین، انسانی و آزادی‌خواه، مایه مباهات است؛ اما در این مقاله فقط به مهم‌ترین اندیشه‌ها و که ناظر به مسائل و معضلات جاری کشور است و سرمشق و راهگشای مشکلات امروز و فردای ما است پرداخته می‌شود. شهید مزاری، وحدت‌ملی را یک اصل معرفی می‌کرد. اختلاف و دشمنی اقوام را فاجعه می‌خواند. ریشه تمام بدبختی افغانستان را عدم تحمل همدیگر و تنها راه حل بیرون رفت از بحران در افغانستان را برابری اقوام و دایر شدن انتخابات می‌دانست. او بدون ملاحظات معمول آن روز، تبعیض علیه زنان را غیرقابل قبول و غیرمنصفانه اعلام کرد و در شدت جنگ‌ها یادآوری می‌کرد

به اعتراف دوست و دشمن، شهید مزاری یک پدیده استثنایی در تاریخ افغانستان است. او مسیر تاریخ افغانستان را برای همیشه تغییر داد. او هرگز برای خود چیزی نخواست؛ ولی از مطالبات اساسی مردم خود سرسوزنی هم عقب نشینی نکرد و برای احقاق حقوق اقلیت‌ها، از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نکرد و در این راه حتی از خود و خانواده‌اش هم گذشت. در وهله اول به نظر می‌رسد که نوشتن راجع به شهید مزاری، بعد از بیست‌و‌اندی سال و چاپ و نشر این همه کتاب، مجله، اشعار، سخنرانی و سمینار، تکرار مکررات و کاری خالی از لطف و فایده است؛ اما با کمی تأمل و تعمق می‌توان فهمید که این کار نه تنها که خالی از فایده نیست؛ بلکه بسیار مهم و حتی لازم و ضروری نیز است. اولاً این کار ادای دین به پیشگاه این «بزرگ شهید عدالت‌اجتماعی» و «شهید وحدت‌ملی» است که حقیقتاً همه ما و تاریخ امروز و فردای افغانستان، مدیون و مرهون فداکاری‌ها، رشادت‌ها و از خودگذری‌های بی‌نظیر و بی‌مانند او است. ثانیاً این کار، کمک به معرفی بهتر و شناساندن کامل تر شخصیت شهید مزاری و افکار و اندیشه‌های قابل افتخار این شهید بزرگ برای نسل جوان و نسل‌های فردای کشور است. ثالثاً و از همه مهم‌تر، بحث روی

که سرانجام هر جنگی به صلح ختم می‌شود. او اختلاف شیعه و سنی را با تمسخر، بازی سیاسی معرفی کرد. در ادامه به توضیح مختصر این‌ها می‌پردازیم:

## وحدت ملی

یکی از اندیشه‌های محوری شهید مزاری، وحدت ملی افغانستان بود. مزاری با قاطعیت تمام و صداقت بی‌مانند، اعلام می‌کرد که: «من وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۱۴۶) تا روزی که افغانستان، افغانستان باشد، این فرمایش شهید مزاری هرگز فراموش نخواهد شد و شایسته است که با آب طلا نوشته شود. او حتی کسانی را که از دشمنی بین ملیت‌ها را مطرح و به آن دامن بزنند را خائن ملی می‌دانست: «من می‌گویم هر کس برای نفاق و دشمنی ملت‌ها حرف بزند خائن ملی افغانستان است» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

سخن گفتن از وحدت ملی در شرایط کنونی که سخن مد روز و نان به نرخ روز خوردن محسوب می‌شود، امتیاز ندارد؛ اما طرح و تأکید بر این موضوع از طرف رهبر حزب وحدت در شرایط که جنگ‌های خانمان سوز داخلی از هر گوشه و کنار افغانستان شعله می‌کشید به ویژه مردم غرب کابل و مواضع حزب وحدت، از هر سو آماج حملات بود، نشان از درک عمیق و شناخت دقیق اوضاع و واقعیت‌های جامعه افغانستانی دارد که تنها از رهبران ژرف اندیش و آینده‌نگر مانند مزاری ساخته بود.

گذشت قریب به سه دهه از طرح این موضوع توسط شهید مزاری، به خوبی برای همگان به اثبات رسانده است که ما هیچ راهی جز وحدت ملی نداریم و هر راهی غیر از آن به ترکستان ختم شده و به فاجعه بزرگتر می‌انجامد.

## عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یکی دیگر از اساسی‌ترین و تابناک‌ترین اندیشه‌های شهید مزاری است. شهید مزاری با طرح صریح، شجاعانه و بدون در نظر گرفتن ملاحظات معمول آن زمان راجع به این موضوع که قمار سیاسی خوانده می‌شد، فصل جدیدی را در کارنامه درخشان مبارزاتی خود گشود و برای اولین بار گفتمان عدالت خواهی را وارد فرهنگ سیاسی کشور

ساخت. قباحت‌زدایی و تابوشکنی از طرح موضوع حق خواهی اقلیت‌های قومی و اقشار محروم جامعه از یک طرف، ایجاد اعتماد به نفس و شهامت لازم برای پیگیری صریح و شجاعانه این موضوع توسط اقلیت‌ها، مسیر تاریخ سیاسی-اجتماعی افغانستان را تغییر داد و یک باره اقوام محروم و حاشیه‌ای را وارد متن و مرکز معادلات سیاسی ساخت. تمام اقلیت‌های قومی و اقشار محروم اجتماعی نسبت به وجود آمدن فضای موجود، مرمون بی‌چون و چرای این بزرگ شهید عدالت اجتماعی است. او منطق و عرف رایج سیاسی را زیر سؤال برد و قاطعانه اعلان کرد که حق خواهی به معنای دشمنی نیست؛ بلکه عین برابری و برادری است.

از این رو تأمین عدالت و احقاق حقوق همه ملیت‌ها و اقشار در افغانستان فریاد مستمر مزاری بود. او می‌گفت: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.» ایشان یادآور می‌شد: «اگر ملیتی حقوق خود را طلب کرده و خواستار عدالت باشد به معنی تجزیه نیست، این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۵۲). در جای دیگر می‌گوید: «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است» (غفاری لعلی، ۲۰۲۱: ۸۲). ایشان مطالبات اساسی مردم خود را چنین یادآور می‌شود: «ما عاشق قیافه کسی نیستیم، سه چیز را در این مملکت در آینده می‌خواهیم: یکی رسمیت مذهب ما و دیگر این که تشکیلات گذشته ظالمانه بوده و باید تغییر کند و سوم این که شیعه در تصمیم‌گیری شریک باشد.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۷۵).

## صلح و زندگی مسالمت‌آمیز

چندین دهه جنگ و درگیری در افغانستان و کشتارها و فجایع بی‌شمار حاصل از آن، روح و روان مردم را به شدت متأثر و آزرده ساخته و از این رو، صلح و امنیت آرزوی دیرینه و رؤیای دست نیافتنی برای مردم افغانستان شده است. شهید مزاری، با درک و دوراندیشی که داشت به صراحت یادآور می‌شد که «ما کراراً برای شما گفتیم و توضیح دادیم که هیچ وقت جنگ طلب نیستیم. راه حل مسئله افغانستان را جنگ نمی‌دانم» (مرکز

فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۱۶:۱۳۸۸). ایشان در جای دیگر صلح را «در افغانستان جنگ راه حل قضایا نیست. ما معتقدیم که هر جنگ آخرش صلح است، برادران به جای جنگ صلح را بپذیرند و همدیگر را تحمل کنند. یگانه چیزی که مردم افغانستان بعد از چندین سال جنگ به آن نیاز دارد، صلح و آرامش است.» (غفاری لعلی، ۳۲۱:۱۳۹۶).

جالب این است که حتی گروه خونخوار طالبان نیز بعد این همه قساوت و جنایت، امروزه به همان حرف شهید مزاری رسیده و اعتراف دارند که جنگ راه حل نیست و باید قضایای افغانستان از طریق گفت و گو و مذاکره حل و فصل شود. البته باید یادآور شد که همان طوری که گذشت، نگاه شهید مزاری به صلح، نگاه سطحی و صلح زود گذر نمی باشد. در طول چهار دهه جنگ در افغانستان، صلح های زودگذر زیادی نیز تجربه شده است که کمتر سودمند بوده و آغاز جنگ دیگر و شدیدتر شده است. صلح باید پایدار باشد و پایدار بماند. صلح پایدار، صلحی است که مبتنی بر هم پذیری همدیگر و بر اساس عدالت، انصاف و واقعیت های عینی جامعه باشد.

## انتخابات

انتخابات یک فرایند تصمیم گیری رسمی است که طی آن مردم یا بخشی از مردم برای اداره امور عمومی خود، شخص یا اشخاصی را برای مقامی رسمی به مدت معلوم با ریختن رأی به صندوق های انتخاباتی برمی گزینند.

گردش قدرت در افغانستان همواره خونین و فاجعه بار بوده است. حاکمان افغانستان هر کدام به نوبه خود کوشیده اند از هر طریق ممکن خود را به منبع و مرکز قدرت برسانند و بعد از به اختیار گرفتن قدرت نیز از هیچ کوششی برای حفظ و تداوم آن فروگذار نکرده اند.

راه شهید مزاری در این مورد هم محکم و منطقی است. او تنها راه حل این موضوع را استفاده از تجارب بشری و کشورهای دیگر می دانست. شهید مزاری معتقد بود که تنها راه بیرون رفت کشور از این بحران، مشارکت فراگیر و سهم گیری همه شهروندان در تعیین سرنوشت شان از طریق انتخابات است. «تنها راه نجات مردم و ثمره انقلاب برای مردم افغانستان این است که یک انتخابات آزاد دایر شود که در آن همه افشار مردم

حق داشته باشند از پیر، جوان، مرد و زن همه این ها» (غفاری لعلی، ۷۵:۱۳۹۶). رهبر شهید عدم مشروعیت سیاسی و فراگیر نبودن حکومت در افغانستان را یکی از آتش های زیر خاکستر می دانست و درمان آن را نیز انتخابات عام و فراگیر معرفی می کرد: «دولت مردمی وقتی به وجود می آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می کند و قانونی است.» (غفاری لعلی، ۲۹:۱۳۸۸).

## حمایت از حقوق زنان

تجربه تاریخ طولانی بشری به خوبی ثابت کرده است که تبعیض و محروم نگه داشتن کتله های اجتماعی، از حضور در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، مانع بزرگ و سد راه توسعه و پیشرفت یک جامعه است. نادیده انگاری زنان، گذشته از این که یک موضوع شرم آور و ستم بزرگ تاریخی در حق زنان است دوام دار نیز نخواهد بود. دیریا زود این معضل و بیماری اجتماعی در تمام کشورها تشخیص شده و خاتمه خواهد یافت.

دیدگاه شهید مزاری در این مورد هم ستایش انگیز است. او با وجود آن که یک عالم دینی و رهبر جهادی بود؛ اما در مورد زنان و برابری حقوق زن و مرد، نظر کاملاً روشن و بسیار متفاوتی نسبت به دیگر رهبران جهادی داشت. او معتقد بود که تأمین نشدن حقوق زنان در کشور، نیمی از پیکره جامعه را فلج خواهد کرد و این کار به دور عدالت و انصاف خواهد بود: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می توانند در همه عرصه های اجتماعی و سیاسی فعال باشند؛ انتخاب کنند و انتخاب شوند» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۶۲ و ۲۵۹). در جای دیگر تأکید می کند که: «این عادلانه نیست که مردان در انتخابات شرکت کنند و زنان محروم باشند» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۵۹).

## پرهیز از اختلافات قومی و مذهبی

با نگاه عمیق به تحولات سیاسی اجتماعی افغانستان آشکار می شود که بسیاری از مصایب و معضلات امروز و دیروز ما و شما ریشه در اختلافات قومی دارد و بسیاری از مشکلات دیگر نیز فقط در سایه شوم قوم پرستی پنهان شده و تا امروز تداوم پیدا

کرده است. تنش‌های قومی، تنها مشکل دیروز ما نبوده است؛ بلکه مشکل امروز ما هم هست. شکاف قومی، ریشه بسیاری از مشکل موجود و مانع بزرگی در راه اصلاحات اجتماعی، اداری و حتی توسعه و پیشرفت کشور است.

شهید مزاری با فاجعه خواندن دشمنی اقوام، عمق نفرت، انزجار و بی‌زاری خود را از اختلافات قومی اعلام می‌کرد: «در این جا برای شما واضح می‌گویم در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها یعنی برادری ملیت‌ها.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸:۱۴۸). «هرکسی برای نفاق و دشمنی اقوام حرف بزند، خاین ملی افغانستان است» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸:۷۸). «هرکسی که می‌آید در این جا برای حذف یک ملت و برای حذف یک تنظیم فعالیت می‌کند، سخت اشتباه می‌کند. بیست ماه گذشته اثبات کرده است که توانایی حذف کسی را ندارد» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸:۱۴۸). «ما تلاش می‌کنیم که یک روز، این دشمنی را هم با تفاهم بین این چهار تا ملیت، حل بکنیم و این افتخار تکمیل شود به [نام] حزب و وحدت» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸:۱۴۹). شهید مزاری، طرح موضوع شیعه و سنی را نیز یک بازی سیاسی و القا شده از خارج می‌دانست: «من هیچ وقت نه شیعه گفته‌ام و نه سنی، بعد از این نیز نخواهم گفت. مطرح کردن شیعه و سنی یک بازی است.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸:۱۴۹).

به راستی که راه‌حل بسیاری از مشکلات افغانستان، در گرو عبور از قوم‌پرستی‌های جاهلانه و تباہ‌کننده کنونی است. از مبارزه با فساد اداری گرفته تا اصلاحات در معارف انکشاف و توسعه همه و همه، نیازمند دید ملی و فراتر از قوم‌بازی‌های معمولی است. چقدر تحسین برانگیز است که این موضوع بیشتر از هرکسی از جانب شهید مزاری مطرح و تأکید شده

است. «ما افتخار می‌کنیم که اولین بار وحدت ملی را در افغانستان ما به وجود آوردیم» (مرکز نویسندگان، ۱۳۸۸:۱۴۸).

### نتیجه‌گیری

مزاری نه وزیر شد، نه وکیل شد، نه معاون شد، نه پول و پیسه شخصی داشت؛ ولی محبوب قلب‌ها بود و امروز نیز در قلب مردم خود جای دارد. او از میان مردم برخاست، با مردم زیست و از جنس مردم بود. هیچ کسی و هیچ رهبری، به اندازه او زبان و حرف دل مردم را نمی‌دانست و نمی‌توانست با توده‌های مردم و اقشار مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند.

مزاری یک رهبر عادی و معمولی نبود. او آگاه به تاریخ کشور و بسیار جلوتر از زمان و زمانه خود بود. حرف مزاری، حرف شخصی خود او نبود؛ بلکه حرف دل مردم بود؛ چون خود او، تجسد و تجسم روح جمعی جامعه خود بود. پدیده مزاری در حقیقت واکنش و پاسخی به عقده‌های تاریخی خلق ستم‌کشیده خویش بود. از این رو، اندیشه‌های مزاری همیشه ماندگار، بالنده و چونان مشعل فروزنده خواهند ماند؛ زیرا با زتاب روح جمعی جامعه و حرف دل میلیون‌ها انسان ستم‌دیده است که از زبان او جاری و ساری شده است و لاجرم به دل‌ها خواهد نشست که خوشبختانه، خوب هم نشسته است. راجع به شهید مزاری هرچه نوشته شود و هرچه بیشتر گفته شود، باز حرف‌های تازه و گوش‌های شنونده، وجود خواهد داشت؛ چون صدای وجدان بیدار جامعه و خلق خدا است.

### منابع:

۱. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، (۱۳۸۸). احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید ره)، چاپ دوم، انتشارات سراج.
۲. غفاری لعلی، عبدالله، (۱۳۹۶). فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)، انتشارات بنیاد اندیشه.